ادبیات جهان

فصل ششم

متولیان_ فروغ دانش پویا

ماه روشنی اش را
در سراسر آسمان
می پراکند
و لکه های سیاهش را برای خود نگه می دارد .

تاگور - هندوستان

معنی: **انسان های ایثار گر و از خود گذشته لطف و ثرت خودرا به دیگران می بخشند و مشکلات و سختی هارا خودشان تحمل میکنند .**

آرایه: **ماه : نماد ایثار گری و از خودگذشتگی**

ماه روشنی و آسمان :مراعات النظیر

«پرنده آزادی»

متولیان_ فروغ دانش پویا

محمد در آغوش پدرش چونان پرنده‌ای بیمناک، آشیان دارد / از بیم دوزخ آسمان .

معنی: محمد از ترس بمب و هواپیماها مانند پرنده ای ترسان در آغوش پدرش جا گرفته است.

آرایه: محمد چونان پرنده ای: تشبیه

دوزخ آسمان: استعاره از بمب و موشک که از آسمان به سمن زمین پرتاب می شود

پرنده و آشیان : مراعات النظیر

نکته دستوری: چونان حرف اضافه و پرنده متمم

پرنده بیمناک : ترکیب وصفی

آه پدر، پنهانم کن؛ پنهان ،بال های من در برابر این توفان،ناتوان است،
ناتوان در برابر تیرگی و آنها در بالا در پروازند

معنی: **محمد با ناراحتی و اندوه گفت : ای پدر پناهم بده ! من در برابر هیاهوی جنگ و رفتار غیر انسانی ، ناتوان هستم و از هواپیماهای اسرائیلی در رنج هستم**

آرایه: **ناتوان : تکرار**

آن ها که در بالا در پروازند : منظور هواپیماهای اسرائیلی است

محمد فرشته ی بی پناهی است
نزدیك به تفنگ صیادی سنگدل

او در سایه ی خود تنهاست

معنی: **محمد مانند فرشته ای پاک و بی گناه بدون حامی و پشتیبان و تنها و بی کس ، گرفتار سربازان مسلّح وبیرحم اسرائیلی است .**

آرایه: **محمد مانند فرشته : تشبیه**

سنگدل : کنایه از بی رحم

صیاد : استعاره از سرباز اسرائیلی

چهره اش روشن است چونان خورشید
قلبش سرخ و روشن است چنان سیب

معنی: **چهره اش همانند خورشید درخشان و قلبش مانند سیب سرخی ، سرشار از روشنی و زندگی است**

آرایه: **تشبه : چهره به خورشید (وجه شبه : روشنی)**
و قلب به سیب(وجه شبه : سرخ و روشن)

صیادش می‌توا ند به شکارش دیگرگون بیندیشد
با خود بگوید :
«اکنون او را رها می‌کنم
تا آن گاه که بتواند فلسطینش را بی غلط تلفظ کند

معنی: صیاد(سرباز اسرائیلی) میتواند درباره محمد (شکارش) به شکل دیگری فکر کند ، با خود بگوید : اکنون اورا آزاد می کنم تا زمانی که بزرگ شود

آرایه: بی غلط تلفظ کردن فلسطین : کنایه از بزرگ شدن

و فردا چون سرکشی کند
شکارش میکنم ....»

معنی: **اگر در آینده نافرمانی کند اورا از بین می برم**

آرایه: **سرکشی کردن : کنایه از نافرمانی کردن**

«محمد الدوره»

خونی است که از بعثت پیامبران جوشیده است

پس ای محمد صعود کن

صعود کن تا سدرهٔ المنتهی

معنی: **محمد الدوره ، شهیدیست که در همان مسیری که انبیای الهی سفارش کرده اند گام برداشته است . ای محمد تا اوج آسمان ها بالا بیا وبه سدره المنتهی (بهشت)صعود کن .**

نکته دستوری: **محمد : منادا**

«تا» حرف اضافه است زیرا فاصله و مسافت را بیان کرده و واژه سدره المنتهی متمم است

نکته ادبی: **تا سدره المنتهی صعود کردن : کنایه از به شهادت رسیدن و به بهشت رفتن**

تلمیح : سدره المنتهی نام درختی که در سوره نجم به آن اشاره شده

محمود درویش

شاعر فلسطینی

ازبزرگترین شاعران عرب معاصر است، که شعر او با انقلاب، پایداری و مبارزه پیوند خورده است
عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن، از درون مایه هایه اصلی شعر اوست

لغات مهم:

۱_چونان : مانند

۲_بیمناک: ترساناک ، خوفناک

۳_آشیان :لانه

۴_دوزخ : جهنم ، در اینجا به معنی بمب و موشک

۵_توفان: هیاهو ، نا آرامی و سختی

۶_تیرگی : آزردگی ، رفتار غیر دوستانه

۷_صیاد : شکارچی ف در اینجا به معنی سربازان اسرائیلی است

۸_سنگدل: بی رحم

۹_تلفظ: به زبان آوردن

۱۰_سرکشی: نافرمانی

۱۱_بعثت: برانگیخته شدن پیامبر(ص)برای هدایت مردم

۱۲_صعود : بالا رفتن

۱۳_سدره المنتهی : درختی در آسمان هفتم که در قرآن هم به آن اشاره شده. ۰در اینجا یعنی به بهشت رسیدن

«کودکان سنگ»

دنیا را خیره کردند
در حالیکه در دستانشان جز سنگ نبود

معنی: **با آن که تنها وسیله دفاعی شان سنگ بود ، مردم جهان را متحیر و متعجب کرده اند .**

نکته ادبی: **دنیا منظور مردم دنیا هستند**

چوانان مشعل ها درخشیدند
و چونان بشارت از راه رسیدند
ایستادگی کردند ، خروشیدند و شهید شدند

معنی: **(کودکان) مانند چراغ های فروزان ، در راه آزادی درخشیدند و مانند بشارت ، خبر خوش رهایی را نوید دادند . آن قدر مقاومت کردند و فریاد زدند تا به شهادت رسیدند .**

نکته ادبی: **چونان مشعل و چونان بشارت : تشبیه کودکان سنگ به مشعل و بشارت**

نکته دستوری: **چونان : حرف اضافه : مشعل و بشارت متمم**

شهید : مسند

آه ای لشکریان خیانت و مزدوری ها !

هر قدر که تاریخ درنگ کند

به زودی کودکان سنگ ، ویرانتان خواهند کرد !

معنی: **آه ای سربازان خیانت کار و دست نشانده اسرائیلی ! اگر تاریخ و تاریخ نویسان ، ظلم و ستم شمارا ننویسند و سکوت کنند، به زودی ، کودکان فلسطینی که سنگ در دست دارند ، شمارا از بین خواهند برد .**

نکته ادبی:

تاریخ درنگ کند : تشخیص

منظور از تاریخ : تاریخ نویسان اند

نکته دستوری:

آه : شبه جمله

لشکریان خیانت و مزدوری ها : منادا

تاریخ: نهاد

کودکان سنگ: گروه نهادی

«تا» در ویرانتان ، مفعول است(شمارا ویران میکنند)

ای دانش آموزان غزه
به ما بیاموزید
که چگونه سنگ در دستان کودکان
حماسه می آفرینند ؟

معنی: **ای دانش آموزان غزه به ما یاد بدهید که چگونه می توان با سنگ در برابر این همه سلاح اسرائیلی ، این همه دلاوری کرد و حماسه آفرید ؟**

ای فرزندان غزه با تمام توانتان بتازید

و در راهتان استوار بمانید

در گستره نبردهایتان، پیش بروید

معنی: **ای فرزندان غزه با تمام توان و نیرویتان به دشمن حمله کنید و در این راه پایدار و محکم بمانید و در پهنه نبردهایتان پیش روی کنید .**

ای دوستان کوچک ما ، سلام !

برای چیدن زیتون مهیا باشید

معنی: **درود بر شما باد ای دوستان کوچک فلسطین ! خودتان را آماده آزادی و رهایی کنید!**

نکته: **زیتون: نماد کشور فلسطین**

در لحظه هایی که درختان زیتون بارور می شوند !
و وطنی زاده می شود در چشم ها
و افقی دیگر نمایان
چهره قدس درخشان و رخساره فلسطین
پر فروغ و تابان می شود !

معنی: **در لحظه بهره بردن از صلح و آزادی و پیروزی ، سرزمینی دیگر به وجود می آید و زندگی دیگری به دور از هرنوع ظلم و ستم ، آشکار می شود . در این حال چهره قدس و فلسطین (مردم فلسطین) رد سایه صلح و آزادی ، بسیار درخشان و نورانی می شود .**

نکته ادبی: **چهره قدس و رخسارهٔ فلسطین : تشخیص**

نزار قبانی

شاعر سوری

ازبزرگترین شاعران و نویسندگان عرب، متولد شهر دمشق سوریه است.
او به زبان فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی مسلط بود.
سروده های او سرشار از عشق و عاطفه وانسانیت است.

لغات مهم:

۱_دنیا: در اینجا مردم دنیا

۲_ خیره: با بهت و تعجب نگاه کردن

۳_مشعل: چراغ

۴_بشارت: مژده و خبر خوش

۵_ایستادگی: مقاومت

۶_خروشیدند : فریاد زدند

۷_خیانت: انجام عملی بر خلاف قول و دوستی

۸_مزدور: کسی که بی توجه به ارزش های انسانی در برابر پول به دیگران خدمت می کند.

۹_درنگ: مکث

۱۰_غزه: شهر بندی کوچک در فلسطین

۱۱_حماسه: دلیری و شجاعت

۱۲_بتازید: حمله کرد

۱۳_گستره: پهنه و وسعت

۱۴_زیتون: نماد کشور فلسطین به معنی «صلح»

۱۵_رخساره: چهره، صورت

۱۶_فروغ: روشنایی ، نور